

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت سی و سوم ، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



موسسه فرهنگی

شماره ثبت : ۱۶۶۰

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

در محضر شما عزیزان در تبیین آیات قرآن و تفسیر
روان و سادہ رسیدیم بہ آیہ ۲۲ از سورہ بقرہ

دعوت انبیاء، بہ ایجاد حاکمیت جهانی صالحان

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا
تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾. در جلسات گذشتہ
عرض کردیم کہ خداوند متعال سہ جریانی کہ در
جامعہ وجود دارد را بہ ما معرفی کرد. خداوند، این سہ
جریان و تقسیم بندی را، بر مبنای امور سیاسی بیان
فرمودہ، یعنی رویکرد سیاسی مردم در جامعہ، بہ این
سہ شکل می تواند باشد. خدای متعال می خواهد
بفرماید کہ در مقابل ہدفی کہ انبیاء داشتند، مردم
سہ جریان هستند. دعوت انبیا، دعوت بہ این نبودہ کہ
فقط بہ خدا ایمان بیاورید و معاد را قبول داشته باشید

و اخلاق‌تان، اخلاق خوبی باشد. دعوت انبیا این بوده که شما حاکمیت جهانی صالحان را در زمین ایجاد کنید. قرآن کتاب هدایت است، تا جامعه را هدایت کند به سرمنزل مقصود. تا همه انسان‌ها برسند به قلّه‌ای که باید روزی ایجاد بشود. آن قله چیست؟ حاکمیت جهانی صالحان. آن زمان، انسان و همه موجودات هستی، در زیر سایه حاکمیت جهانی صالحان، به تکامل می‌رسند. همه انبیاء در مسیر تحقق حاکمیت جهانی صالحان، تلاش کردند. دعوت همه انبیاء فقط دعوت به اخلاق نبوده، بلکه دعوت به ایجاد حکومت و ایجاد حاکمیت بوده.

معرفی سه جریان در مقابل هدف انبیاء

متأسفانه خیلی از کسانی که ادعا می‌کنند مسلمانند و اهل قرآن هستند، این مسأله را در قرآن یا تعمداً نادیده گرفته‌اند و به آن توجه نمی‌کنند یا علمش را ندارند و دقت لازم را در این مسأله نکرده‌اند. حواسمان جمع باشد. من هر چند وقت یک بار، این را تکرار می‌کنم تا مسیر آیات قرآن را گم نکنیم. چون اگر ندانیم که هدف چیست، مسیر آیات، به درستی روشن نمی‌شود. خب خدای متعال می‌خواهد بفرماید که در مقابل هدفی که انبیاء داشتند، مردم سه جریان هستند. در مقابل این دعوت، طبیعتاً این سه جریان شکل می‌گیرد؛ ۱. جریان متقین، که همراه با پیامبرند.

انقلابیونی که از دعوت پیامبر و هدف او، حمایت می‌کنند. ۲. جریان کافرین، که در مقابل پیامبر هستند. ۳. جریان منافقین، که سعی می‌کنند در حاکمیت دینی نفوذ کنند و با استفاده از کرسی‌های حاکمیت دینی، منافع آن را به دست بیاورند. منافقین، نمی‌خواهند حاکمیت دینی را از بین ببرند، اما کفار، می‌خواهند حاکمیت دینی را کاملاً از بین ببرند. متقین می‌خواهند، حاکمیت دینی را در سطح جهان ایجاد بکنند. کفار می‌خواهند، هیچ نوع حاکمیت دینی در جهان وجود نداشته باشد.

همدستی منافقین با کفار

منافقین نمی‌خواهند حاکمیت دینی کاملاً از بین برود. می‌گویند، حاکمیت دینی باشد ولی با محوریت ما. ما در کرسی‌های حاکمیت دینی، صاحب منصب باشیم. پیامبر و انقلابیون نباشند. کرسی‌های حاکمیت دینی را برای این تصاحب می‌کنند که به منافع خودشان برسند، تا با منافی که انقلاب برایشان آورده، دنیای خودشان را آباد بکنند. وقتی کسی دنبال چنین هدفی باشد، آنوقت سرش در آخور کافران هم خواهد بود. با کافران هم زدوبند خواهد داشت. چرا؟ چون کافران، وقتی می‌بینند نمی‌توانند حاکمیت دینی را نابود بکنند، آنوقت با منافقین هم دست می‌شوند. می‌گویند بیایید، تقسیم منافع بکنیم. ما می‌خواستیم حاکمیت دینی از

بین برود، ولی نمی‌توانیم آن را از بین ببریم. چه کار می‌کنیم؟ وَلِیِّ جَامِعِهِ، پیامبر، امام، ولی فقیه و کسانی که در رأس حاکمیت دینی هستند را کنار بزنید و از بین ببرید. حاکمیت دینی را تبدیل کنید به یک حکومت دموکراسی تا شما در این جامعه حاکم باشید. شما وقتی حاکم باشید، دیگر سَرِجَنگ با کفار ندارید. ما پول شما را تامین می‌کنیم، شما منافع ما را تامین کنید تا حاکمیت دینی، برای حکومت ما ابرقدرت‌ها، خطری نداشته باشد.

سود کفار از به قدرت رسیدن منافقین

توصیه کفار به منافقین این است که شما به مردم بگویید، بعد از انقلاب، حالا به دنیای خودمان پردازیم. بنشینیم از منافع انقلاب استفاده کنیم. انقلاب تمام شد، بنشینیم سَرِ زندگی خودمان، کشورمان را بسازیم. کاری هم با ابرقدرت‌ها نداشته باشیم. دیگر مرگ بر آمریکا، مرگ بر انگلیس، مرگ بر اسرائیل نگوییم. به‌ماچه غزه و لبنان، به‌ماچه مسائل مسلمین در جهان. این حرف منافقین هست. کفار می‌دانند، اگر منافقین سَرِ کار بیایند، حکومت اسلامی که متولی آن منافقین خواهند بود، دیگر خطری برای کفار ندارد. کفار هم دیگر نگران نیستند که حکومت دینی، منافع آنها را در جهان از بین ببرد. حکومت دینی که منافقین متولی آن باشند، نه تنها برای کفار خطری ندارد، بلکه منفعت هم

دارد. منافقینی که در حاکمیت دینی قرار می‌گیرند، می‌توانند توده‌های انقلابی مردم را هم خنثی کنند. توده‌های انقلابی را می‌توانند ساکت و کنترل کنند، تا اینها علیه ابرقدرت‌ها به میدان نیایند. خب چه چیزی بهتر از این؟ حکومت منافقین برای کفار، سود هم دارد. بنابراین، کفار با منافقین همیشه زدوبند دارند. لذا در آیات قبل خدا به آن اشاره فرمود: **﴿إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ﴾**^۱ منافقین وقتی پشت صحنه و در خلوت خودشان، با کفار و ابرقدرت‌ها می‌نشینند خلوت می‌کنند و جلسات سِرّی می‌گیرند، می‌گویند ما با شما هستیم. چون با آنها اشتراک منافع دارند. می‌گویند، ما منافع شما را تأمین می‌کنیم، ما نخواهیم گذاشت که در حاکمیت دینی، علیه شما اقدامی بشود. ما نمی‌گذاریم که حاکمیت دینی، برخورد سختی با شما بکند. اگر شما ضربه‌ای به حاکمیت دینی زدید، ما با نیروهای نفوذی‌مان، اجازه نخواهیم داد که حاکمیت دینی، اقدام سختی علیه شما بکند. اگر شما اقدامی کردید، مطمئن باشید این طرف، نمی‌تواند اقدام سخت علیه شما بکند. چرا؟ چون ما هستیم و نمی‌گذاریم. ببینید، این اشتراک منافع برای کفار خیلی سود دارد. قرآن این جریان را برای ما بیان فرمود.

۱. سوره بقره؛ آیه ۱۴

عدم تحلیل به روز آیات یا مهجوریت قرآن

تمام آنچه که بنده عرض کردم از تمام این آیات برمی آید. من چیزی از خودم نباید بگذارم و واقعا هم نمی گذارم. من آیات را تحلیل می کنم و اگر آیات را به این شکل ببینیم، اگر آیات را مربوط به زمان گذشته ببینیم و یک تحلیل بروزی از آیات نداشته باشیم، این یعنی قرآن مهجور واقع شده. یکی از ابعاد مهجوریت قرآن این است که ما بگوییم این آیات مال گذشته بود، مال زمان پیامبر بوده. دیگر گذشت هزار و چهارصد سال پیش، هر اتفاقی افتاد ربطی به امروز ما ندارد. این یعنی اینکه قرآن مهجور قرار داده شده. قرآن را در تاریخ دفن کردیم. در حالی که قرآن، مربوط به همه اعصار و دوره هاست. امروز باید ما تحلیل درستی از آیات داشته باشیم. این می شود تحلیل. یعنی چه؟ یعنی ما مسائل امروز را وقتی می بینیم و در کنار هم قرار می دهیم، دقیقا می بینیم همین است. گویا آیات قرآن مربوط به امروز است و الان نازل شده. اتفاقاتی که الان می افتد دقیقا می بینیم که آیات قرآن به ما می گوید هوشیار باشید که منافقین چنین کاری می کنند.

دعوت قرآن به تقوا یا اطاعت از ولی فقیه

منافقین با کفار زدوبند می‌کنند. مواظب باشید. ﴿إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ﴾ در آیات قبل بود که منافقین به کفار می‌گویند که ما با شما ایم یعنی منافع شما را تامین می‌کنیم. قرآن می‌فرماید این سه جریان وجود دارد. در هر حاکمیت دینی که شکل می‌گیرد این سه جریان وجود دارد چه حاکمیت دینی پیامبر باشد، چه حاکمیت دینی موسی باشد، چه حاکمیت دینی امام خمینی باشد، چه امروز باشد. این سه جریان همیشه هست. قرآن ما را برحذر می‌دارد از اینکه جزو جریان کافرین و منافقین باشیم. قرآن می‌خواهد ما را دعوت کند که به متقین پیوندید یعنی از حاکمیت دینی حمایت کنید. در مقابل حرف ولی فقیه چون و چرا نکنید. اگر ولی فقیه می‌گوید با ابرقدرت‌ها وارد مذاکره نشوید، مجبورش نکنید. بگونه‌ای او را دور نزنید، تا مذاکره را پیش ببرید. به هر حال اینها مسائلی است که مربوط به امروز ماست و قرآن به ما هشدار می‌دهد.

عدم پذیرش ربوبیت خدا، از سوی منافقین

خدا در آیات ۲۱ تا ۲۵ می‌خواهد به ما بفرماید که به جریان متقین ملحق بشوید. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ

الَّذِي خَلَقَكُمْ^۲. بیایید خدا را اطاعت کنید. خدای متعال با این آیات یک تعریضی می‌زند به جریان منافقین که اگر منافقین در مقابل پیامبر چون و چرا می‌کنند، مشکل اصلی‌شان این است که از خدا اطاعت نمی‌کنند و اگر از خدا اطاعت نکنند یعنی او را عبادت نکرده‌اند. عبادت واقعی یعنی اطاعت از خدا. عبادت، صرف نماز خواندن نیست. منافقین نماز می‌خوانند اما نماز را اقامه نمی‌کنند. اقامه نماز یعنی چه؟ یعنی اطاعت از اوامر خدا در همه ابعاد زندگی، یعنی پیاده کردن حکم خدا در همه ابعاد زندگی. اقامه نماز یعنی برپایی حاکمیت دینی جهانی که منافقین این را قبول ندارند و لذا فقط ممکن است بگویند ما خدا را قبول داریم که خدا خلق کرده. خدا در آیات قبل می‌فرماید، اگر قبول دارید خدا شما را خلق کرده، پس باید اطاعت کنید. مگر می‌شود خدا شما را خلق کند ولی امور سیاسی و امور اجتماعی شما را خدا ربوبیت نکند! مشکل منافقین این است که در امور سیاسی و اجتماعی ربوبیت خدا را قبول ندارند. اینجا خدا تخطئه می‌کند. اگر خدا شما و گذشتگان و همه انسان‌ها را برای رسیدن به قله خلق کرده، پس او باید مسیر رسیدن به قله را به شما نشان بدهد و مسیر رسیدن به آن قله در همه ابعاد زندگی باید توسط خدا روشن

۲. سوره بقره؛ آیه ۲۱

بشود. مخصوصا در امور سیاسی و اجتماعی که اینقدر پیچیده است. این یک تعریضی بود که عرض کردم.

تقدم کدخدا بر خدا، عین شرک است

یک تعریضی دیگر خدا به اینها زده در آیه ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا﴾^۳ خب اطاعت کنید از خدا، خدایی که همه هستی را، زمین را، آسمان و باران را، گیاهان را برای شما خلق کرده. چرا برای خدا شریک قرار می‌دهید؟ یعنی چه؟ یعنی شما وقتی می‌بینید خدا همه هستی را ربوبیت می‌کند، چرا فکر می‌کنید که خدا نباید در امور سیاسی شما را ربوبیت کند؟ چرا در امور سیاسی، از غیر خدا و از ابرقدرت‌ها اطاعت می‌کنید؟ این یعنی شریک برای خدا قرار دادن. شما اگر در همه ابعاد زندگی. در مسیر طاعت خدا باشید، عبادت کنید، اطاعت کنید اما در امور سیاسی و اجتماعی بگویید حرف کدخدا مهم‌تر از حرف خداست. این یعنی شریک قرار دادن. اینکه کدخدا را شریک خدا قرار می‌دهید، این عین شرک است. حالا شما بگویید ما که بت نمی‌پرستیم. فرقی نمی‌کند. بت پرستی یعنی چه؟ یعنی در جایی که باید حرف خدا را اطاعت کنید، حرف غیر خدا را اطاعت می‌کنید. آن غیر خدا برای شما بت می‌شود. ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾. خدایی که زمین و آسمان و ابرها و باران و گیاهان و

۳. سوره بقره؛ آیه ۲۲

همه را مدیریت می‌کند که زندگی شما تامین شود تا شما زندگی کنید برای بندگی. یعنی حرکت کنید به سوی آن قله‌ای که خدا برای شما قرار داده. این خدایی که همه هستی را برای شما مدیریت می‌کند. ﴿سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾^۴ همه آنچه که در زمین و هفت آسمان است را مسخر شما کرده در جهت تکامل شما، همه را به کار می‌گیرد. آیا می‌شود گفت که این خدا شما را رها کرده؟ یعنی مدیریت امور سیاسی و اجتماعی را به خودتان سپرده یا به دیگران سپرده، این را از خودش سلب کرده؟ امکان ندارد. پس این هم یک تعریض دیگری است که به منافقین خدا می‌زند که شما که دارید می‌بینید ﴿وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ یعنی همین. وقتی شما دارید می‌بینید خدا هستی را مدیریت می‌کند. چطور می‌گویید خدایی که هستی را الآن برای ما مدیریت می‌کند اما مدیریت امور اجتماعی و سیاسی ما را باید کدخدا بکند! نه خدا. چرا این حرف را می‌زنید؟ این کاملاً در تضاد است با آنچه که شما می‌دانید. شما می‌دانید که تمام هستی به نفع انسان توسط خدا مدیریت می‌شود. این را قبول دارید؟ پس چرا مدیریت امور سیاسی را به ابرقدرت‌ها و کدخدا می‌سپارید؟ این یک تعریض.

۴. سوره جاثیه؛ آیه ۱۳

تفکر مشرکانه منافقین در زمینه تامین معیشت

یک تعریض دیگر که وعده دادیم در این جلسه عرض بکنیم این است که قرآن می‌فرماید، ما همه هستی را از زمین و آسمان و باران را مدیریت می‌کنیم. اینجا می‌فرماید: **﴿فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾** ما هستی را مدیریت می‌کنیم. از بارانی که بر شما نازل می‌کنیم، گیاهان را می‌رویانیم. گیاهان به شما میوه می‌دهند. این گیاهان رزق شما را تامین می‌کنند. چرا می‌ترسید که یک وقت، رزق شما کاهش پیدا کند و به خاطر همین، به ابرقدرت‌ها پناه می‌برید؟ من خواهش می‌کنم به این نکته خیلی توجه کنید. این نکته، نکته روز ماست. این مسئله، مسئله روز ماست. امروز یک عده از منافقین چه می‌گویند؟ می‌گویند معیشت امروز مردم ما، در گروی ارتباط با ابرقدرت‌هاست. ما اگر مذاکره نکنیم و با ابرقدرت‌ها ارتباط نداشته باشیم و خواسته آنها را تامین نکنیم، تحریم می‌شویم. خب ما که تحریم بودیم، تحریم‌های بیشتری می‌شویم. رزق مردم کم می‌شود، معیشت مردم از بین می‌رود. پس بخاطر اینکه معیشت مردم را تامین کنیم، باید مذاکره کنیم و حرف ابرقدرت‌ها را بپذیریم. باید ببینیم خواسته‌های آنها چیست، تا جایی که می‌شود خواسته‌هایشان را برآورده کنیم. ببینید این

یک جریانی است که امروز در جامعه وجود دارد. جریان حال حاضر جامعه این است، که معیشت ما بستگی دارد به موفقیت ما در مذاکرات. این چیزی است که در دولت اسبق هم ما شنیدیم. بعضی رؤسای دولت گفتند، آب خوردن ما هم در گرو موفقیت ما در برجام است. اگر مذاکرات حل شود، آب خوردن ما و مشکلات معیشت و مسکن هم حل می شود. معیشت را گره زدند، به بحث مذاکرات. خب سال های سال است که دارند این کار را می کنند. برای اینکه به مردم نشان دهند که معیشت ما کاملاً وابسته به مذاکرات است، قبل از مذاکرات، تعمداً دلار و طلا را بالا می برند و جنس ها را گران می کنند. به محض اینکه اسم مذاکرات می آید، همه چیز را، خودشان پایین می آورند. برق هم دیگر نمی رود. فقط اسم مذاکرات بیاید، دیگر برق هم قطع نمی شود. برقی که تا چند وقت پیش قطع می شد، الان دیگر قطع نمی شود. چرا؟ بخاطر اینکه نشان بدهند، از نظر روانی اسم مذاکرات، چنین تاثیری بر معیشت مردم دارد. ببینید دقیقاً خدای متعال در این آیه، اشاره به این نکته می کند. دلیل اینکه شما به سمت بت ها و ابرقدرت ها می روید و از آنها اطاعت می کنید و اینها را در امور سیاسی، شریک خدا قرار می دهید چیست؟ علت این کار، این است که شما از رزق تان ترس دارید. خدای متعال می فرماید،

خدایی که شما را مدیریت می‌کند و رزق شما را تامین می‌کند، رزق شما هم با اوست. هر آن کس که دندان دهد نان دهد. چرا می‌ترسید؟ چرا می‌ترسید که رزق شما تامین نشود و به خاطر ترس از کمبود رزق به سمت ابرقدرت‌ها می‌روید. ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾ می‌ترسید که رزق شما تامین نشود؟ یعنی این خدایی که شما را خلق کرده و هستی را مدیریت می‌کند، نمی‌تواند رزق شما را بدهد. شما می‌گویید اگر حرف ابرقدرت‌ها را نپذیریم و حرف خدا را گوش کنیم و با ابرقدرت‌ها وارد جنگ بشویم، رزق ما کم می‌شود. بنابراین، خدا نمی‌تواند به شما رزق بدهد، یعنی توکل‌تان بر خدا از بین رفته است. دقیقاً این آیه، تعریض بسیار واضحی می‌زند به ذهنیت و تفکر و گفتمان غلط منافقین. اگر ما ایده‌های خدا و پیامبر و ایده‌های دینی را در جامعه پیاده بکنیم، آنوقت ابرقدرت‌ها با ما دشمن می‌شوند، با ما سرجنگ را باز می‌کنند و بعد معیشت ما دچار مشکل می‌شود. اینها می‌گویند، برای اینکه معیشت ما دچار مشکل نشود، باید با آنها وارد مذاکره شویم و شما بشنوید، وارد تسلیم خواسته‌های آنها بشویم. ببینید این چیزی است که امروز یک گفتمانی شده است. خدای متعال در این آیه، ریشه این گفتمان را می‌زند. ریشه این گفتمان این است که شما مشرک هستید، که توحید را به معنای

واقعی قبول ندارید. شما فکر می‌کنید رزق، دست ابرقدرت‌هاست و اینها هستند که می‌توانند معیشت شما را تأمین کنند؟ معیشت شما در گرو ارتباط با ابرقدرت‌هاست؟ این یعنی شرک. چنین تفکری، تفکر مشرکانه است. این تفکر را چه کسی در جامعه نشر می‌دهد؟ منافقین. روی سخن این آیات، با مردم است که متقی باشید. این ذهنیت که بترسید، از اینکه رزق، به شما داده نشود، پس بیاییم حرف ابرقدرت‌ها را بپذیریم، این ذهنیتی است که منافقین در جامعه ایجاد کرده‌اند. خدا می‌خواهد این ذهنیت را از بین ببرد. اطاعت کنید از خدا، عبادت کنید خدایی را که برای شما زمین را بستر رشد شما قرار داد. همه منافع زمین را در اختیار شما قرار داد و آسمان را همچون سقفی بر سر شما برافراشت. آسمان را به ابرهایی باردار کرد تا بر شما ببارند. ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ این خدایی که رزق شما را می‌دهد، اطمینان داشته باشید، تا آخر، رزق شما را می‌دهد. ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾ مشرک نشوید، فکر نکنید که رزق شما دست ابرقدرت‌هاست. در حالی که شما می‌دانید این خداست که قدرتش بر همه ابرقدرت‌ها برتری دارد. چرا به سمت آنها می‌روید؟

در آیه بعد، خدای متعال می‌خواهد به اصل بعدی که ریشه گرایش منافقین به گفتمان غلطی که در مقابل

پیامبر، چون و چرا و اخلاص ایجاد می کنند، اشاره کند. در حاکمیت دینی، ریشه رفتار منافقین در این است که توحید و نبوت و معاد را قبول ندارند. در این دو آیه، خدای متعال بیان فرمود که چگونه باید به توحید محض، اعتقاد داشته باشید. خدای متعال در آیات بعدی در مورد نبوت و معاد، با ما صحبت می کند که منافقین چون اصل نبوت و معاد را قبول ندارند، در مقابل پیامبر ایستادند. و شما فکر کنید که آیه بعد، چطور می خواهد ریشه کارهای منافقین را که عدم اعتقاد به نبوت است، برای ما توضیح بدهد.

تا جلسه بعد همه شما را به خدا می سپارم.

والسلام علیکم و رحمت اللہ و برکاته.